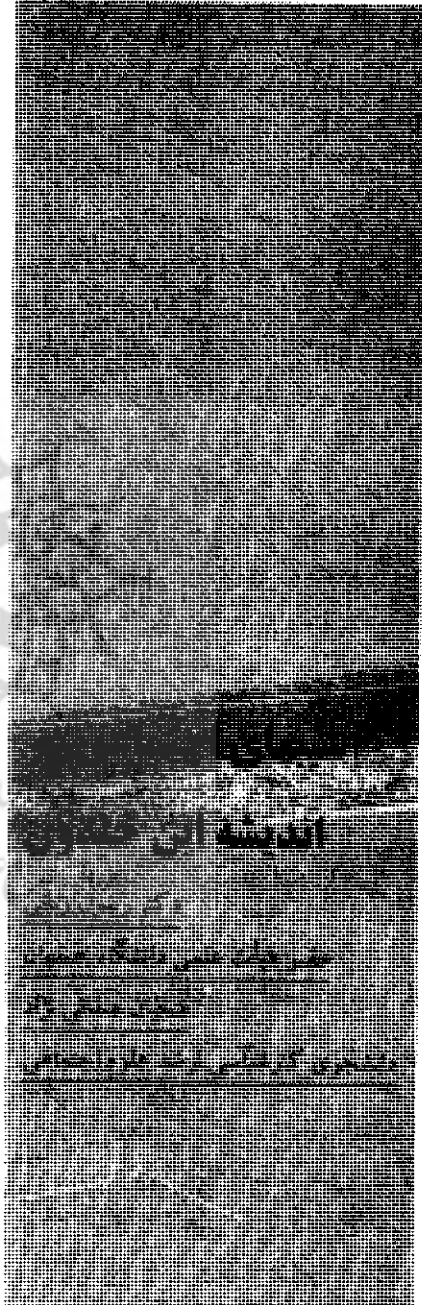


چکیده

در میان آثار متعددی که در شرح و نقد مقدمه معروف ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸هـ.ق) به رشته تحریر درآمده‌اند به ندرت می‌توان اثری را پیدا کرد که با تأمل در آراء و اندیشه‌های ابن خلدون، دیدگاه‌های وی را در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی به تفصیل بیان کرده باشد. به منظور رفع این نقیصه مترصد مطالعه متن ترجمه دو جلدی این اثر ماندگار ابن خلدون و استخراج دیدگاه‌های او در باب آسیب‌های اجتماعی و نیز تطبیق آنها با پاره‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناسی و شرایط عینی جوامع معاصر شدیم. ماحصل این کنکاش مقاله حاضر است که در آن پس از طرح مسأله آسیب‌شناسی اجتماعی به طرح دیدگاه‌های ابن خلدون درباره عوامل موجد آسبها و انحرافات که زمینه انحطاط و زوال حکومت را فراهم می‌آورند و مقایسه و تطبیق آنها با نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی و جوامع معاصر می‌پردازیم:

واژگان کلیدی

آسب‌شناسی اجتماعی (Social pathology)، تجمل پرستی (luxury)، انحطاط (decline)، دوران گذار (transition periods)، حضارت (urbanization)، عصبیت (solidarity)، هفت اقلیم (seven climates).



روش تحقیق

این تحقیق از سویی مبتنی بر روش اسنادی (Documentary method) است و از سوی دیگر به تحلیل محتوا (Content analysis)، تحلیل علی و مقایسه و تطبیق مطالب با نگرش سیستمی پرداخته می‌شود.

مقدمه

آسیب‌شناسی اجتماعی (Social

Pathology) مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به عاریت گرفته شده، و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماریهای عضوی و آسیب‌های اجتماعی قایل می‌شوند. در یک تعریف کلی، آسیب‌شناسی عبارت از مطالعه و شناخت بی‌نظمی‌ها در ارگانیزم می‌باشد و بر همین اساس آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه ناهنجاریها، انحرافات و آسیبهای اجتماعی نظیر بیکاری، خودکشی، فقر، تکدی‌گری، اعتیاد، دزدی، طلاق و .. همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها به انضمام شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی می‌باشد (۱۴/۶ و ۱۵).

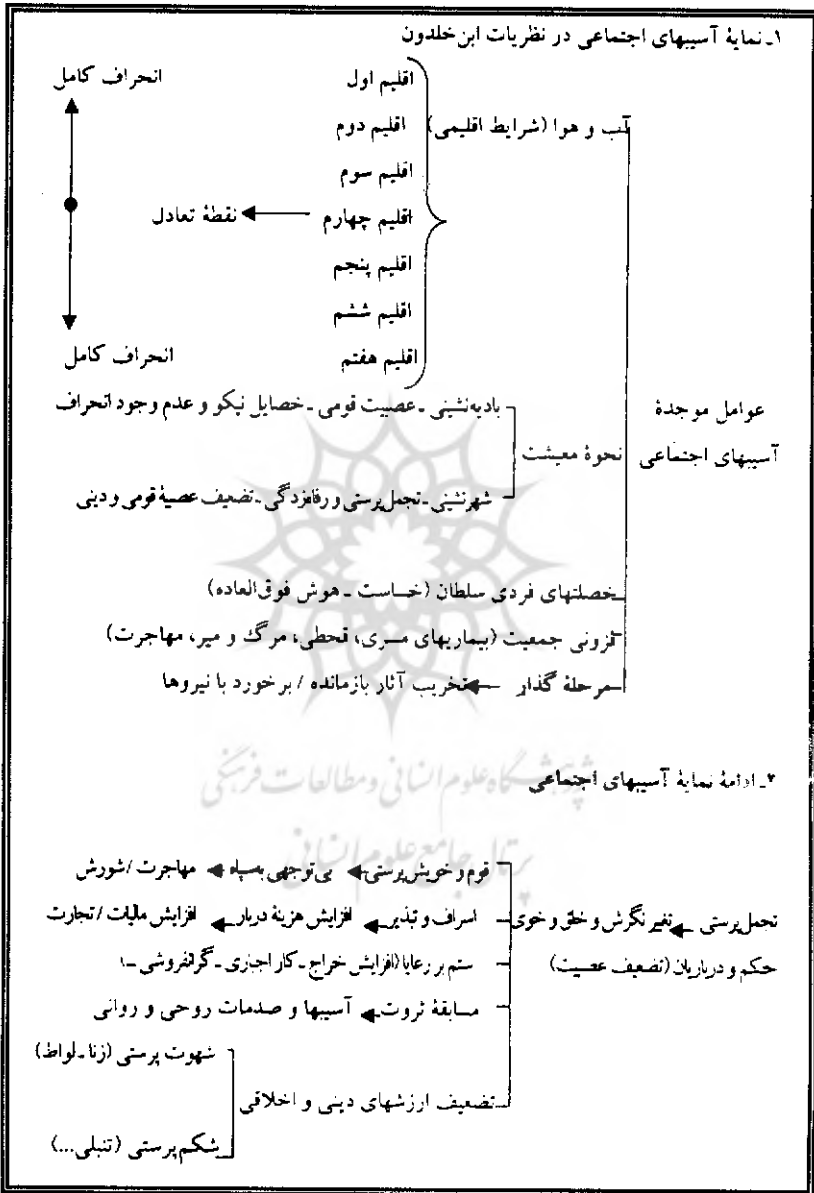
آسیب‌شناسی اجتماعی با این مفهوم در ادوار مختلف تاریخ همواره مورد توجه نویسندگان، ادباء، فیلسوفان و سایر نظریه‌پردازان مسائل اجتماعی بوده است و ابن‌خلدون که خود از پیش‌قراولان مسائل اجتماعی به ویژه رشته جامعه‌شناسی محسوب می‌گردد نیز آسیبهای اجتماعی و ناهنجاریها را مورد غفلت قرار نداده است. اگر چه مفاهیم و شیوه پردازش مطلب در

نزد ابن‌خلدون با نظریه‌پردازی در دوران معاصر متفاوت است، اما با تأمل در اندیشه‌های اجتماعی او درمی‌یابیم که ابن‌خلدون با نگرشی چند عاملی در مقدمه کتاب العبر، عوامل متعددی را در بروز و ظهور آسیبهای اجتماعی و انحطاط و زوال حکومت و عمران دخیل می‌داند.

به طور کلی ابن‌خلدون از یک طرف با اشاره به نقش اکولوژی و شرایط اقلیمی به دیدگاه جبرگرایان محیطی (جغرافیایی) نظیر منتسکیو نزدیک می‌شود و از طرف دیگر با تکیه بر تأثیر ویژگیهای فردی کسانی که در رأس هرم قدرت و حاکمیت قرار دارند و نیز نقش عوامل جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناختی مانند افزایش جمعیت، شهرنشینی و تجمل‌پرستی خود را به دیدگاههای روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی معاصر نزدیک کرده است.

عوامل موجد آسیبهای اجتماعی از نظر ابن‌خلدون

ابن‌خلدون را به جهت نگرش جبرگرای جغرافیایی او بعضاً به منتسکیوی شرق لقب داده‌اند به عقیده او آب و هوا نه تنها در رنگ پوست اثر می‌گذارد بلکه خلق و خوی آدمی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد بر این اساس نمی‌توان مردم یک منطقه را به صرف اینکه از فلان نیا مشترک هستند واجد خصوصیات جسمانی یا اخلاقی خاص دانست.



کیفیت دین و عبادت هم نمودار می‌شود. (همان/ص ۱۶۳).

به عقیده ابن خلدون «بزرگترین میکرب عصبیه حضارت و شهرگیری و مفساد ناشی از آن است» (۸۳/۴). به نظر او باده‌نشینان از شهرنشینان به خیر و نیکی و خصلتهای اصیل انسانی همچون قناعت، دلاوری، قدرت دفاعی و جنگندگی، فایز آمدن بر دشمنان و توسعه‌طلبی و سایر اصول اخلاقی و دینی نزدیک‌ترند و عصبیت قومی و دینی در نزد آنان با شدت و قدرت وجود دارد اما شهرنشینان برخلاف دسته نخست در انواع لذتها، لوکس و تجمل‌پرستی و انواع فساد و رذایل غوطه‌ور هستند، شرم و حیا ندارند، در کردار و گفتار از تظاهر به اعمال زشت و ناپسند خوددای نمی‌کنند. خود او می‌گوید: «غوطه‌ور شدن مردم و دولت مردان در شهرنشینی و تجمل‌خواهی باعث چیرگی این عادات شده و نهایتاً آنها همه دارایی خود را صرف این تجملات می‌کنند... علاوه بر اینها فسادی که در نهاد یکایک افراد راه می‌یابد عبارت است از رنج بردن و تحمل سختی‌ها برای نیازمندیهای ناشی از عادات و گرایش به انواع بدیها و نهایتاً انواع صدمات روحی و روانی» (۱/ج ۲/۷۳۵). از دیگر عادات شهرنشینان شهوت‌پرستی و دیگری شکم‌پرستی است در نتیجه شهوت‌پرستی و هوی و هوس دو نوع رفتار انحرافی گسترش پیدا می‌کند نخست همجنس‌بازی (لواط) که به علت بی‌ثمر بودن به انقطاع نسلی می‌انجامد و

ابن خلدون کره زمین را به هفت اقلیم تقسیم نمود. به عقیده وی قسمت آباد نواحی خشک کره زمین در وسط یعنی در اقلیم چهارم آن قرار دارد زیرا افراط گرما در جنوب و شدت سرما در شمال مانع عمران است و چون دو سوی شمال و جنوب در سرما و گرما متضادند باید از این کیفیت در هر دو سوی به تدریج کاسته شود تا در وسط و مرکز زمین اعتدال حاصل آید از این رو اقلیم چهارم برای عمران و آبادانی سازگارتر است و آنچه در جوانب آن است (اقلیم سوم و پنجم) پس از اقلیم مزبور از دیگر اقلیم به اعتدال نزدیک‌ترند ولی اقلیمهای دوم و ششم از اعتدال به دور است و اقلیمهای اول و هفتم به درجات از این حیث دورترند. به همین سبب دانشها، هنرها، ساختمانها، پوشیدنیها و نوشیدنیها و همه موجودات و ساکنان اقلیم سه‌گانه مرکزی به اعتدال اختصاص یافته‌اند و ساکنان آنها از اقلیمهای مرکزی به سبب زیستن در محیط معتدل کامل‌ترند و در بیشتر حالات خویش از کجروی و انحراف به دورند. به علاوه «ساکنان این اقلیمها هرچه از اعتدال (مرکز) به دور باشند خلق و خوی و طبیعت و مزاجشان از انسان دورتر و به سرشت جانوران نزدیک‌ترند... فلذا زمینه کند ذهنی، غفلت و انحراف در آنها مساعدتر است.» (۱/ج ۱/۱۶۱۱۵۰).

به عقیده ابن خلدون «تأثیر فراوانی نعمت و آسایش زندگی در وضع بدن حتی در

فروش غیرقانونی آنها باعث هدر رفتن بخش عظیمی از سرمایه ملی می‌شوند. به هر حال این افراد انواع مسیرهای خلاف مانند دروغ‌گویی، شرارت، اعتیاد و فحشا را برای پر کردن شکم خود طی می‌کنند. ابن‌خلدون در جایی دیگر می‌گوید: «بسی از همه خصال به آدمی نزدیکتر است ... و از جمله خوبی‌هایی که در میان بشر رواج دارد ستمگری و تجاوز به یکدیگر است چنانچه دیدگان هر کس به کالای برادرش بیفتد بی‌درنگ بدان دست درازی می‌کند تا آن را بریاید مگر اینکه حاکم و راعی وی را باز دارد.» (۱/ج ۱/۲۴۰). دیدگاه ابن‌خلدون در اینجا تا اندازه‌ای به نظریات توماس هابز^۱ انگلیسی در مورد سرشت انسان و لزوم دولت و حاکمیت نزدیک می‌شود. با این حال به نظر او از دیگر عواملی که نقش بسیار مؤثری در پیمودن مسیر انحراف و رسیدن به لبه پرتگاه و انحطاط دارد عملکرد حاکمان است که ممکن است به یکی از چندین شکل زیر تجلی پیدا کند:

الف) قوم و خویش پرستی: این عمل حاکم، باعث بی‌توجهی او در کوتاه مدت و نیز درازمدت به بزرگان قوم و سران سپاه می‌شود. «در دوره اسراف و زیاده‌روی رئیس دولت در لذت‌طلبی و تجمل، او کارها را به آشنایان غیر صالح می‌سپارد و به سبب خرج کردن مستمری‌های سپاهیان در راه شهوترانی خویش، وضع لشکر رو به

دیگری زنا که در نتیجه آن پدران فرزندان خود را نمی‌شناسند و از طرف دیگر مهر و محبت که پایه دوام خانواده است در بین والدین و فرزندان وجود ندارد و سرانجام نظام خانواده به عنوان کانون شکل‌دهنده شخصیت افراد سست و متزلزل می‌گردد. ضمن اینکه وجود چنین خانواده‌ها بستر بسیار مناسبی جهت رشد و ترویج انواع کجرویها و انحرافات اجتماعی می‌باشد. شکم‌پرستی، حرص و آز و دنیا پرستی نیز پیامدهای خاص خود را دارد، در اثر شکم‌پرستی و تن‌پروری ساکنان شهر بی‌تحرك و تبیل می‌شوند در نتیجه توان دفاع از خود را ندارند و تنها سپاه (نیروی انتظامی) و برج و بارو است که حافظ و نگهبان آنهاست. در اثر قنبلی، شهرنشینان عده‌ای را به کار می‌گمارند که اگر این گماشته‌ها افراد مستعدی باشند که مهارت نداشته باشند ضررشان بیش از نفع‌شان است و اگر مهارت داشته و اعتماد لازم را نداشته باشند باز برای دربار و حاکم دردسرساز و مضر خواهند بود. در هر صورت به کار گماری زیان‌آور است. شکم‌پرستان برای دستیابی به هدف و پر کردن کیسه حرص و طمع به هر طریقی (حتی راه‌های نامقبول و نامشروع) دست می‌زنند از جمله اینکه با اجیر کردن عده‌ای مزدور به سراغ گنجینه‌ها و دفینه‌ها (راه‌های نامشروع دستیابی به هدف) که بخشی مهم از ثروت ملی محسوب می‌شوند رفته و با خارج کردن و

^۱ - Thomas Habs

جریان فعالیت‌های اقتصادی خارج نماید نه تنها امکان سرمایه‌گذاری مجدد بر اساس سود حاصله از سرمایه اولیه از بین می‌رود بلکه بازار به طور کلی فلج می‌شود و رکود و فقر و بیکاری بر کسبه و اهل بازار مستولی می‌گردد.

د) **ظلم و ستم حاکم و درباریان:** در صورتی که دولت بنا به دلایلی مالیات‌ها را افزایش دهد کسبه برای جبران، قیمت اجناس را افزایش می‌دهند. از طرفی تورم و گرانی به وجود می‌آید و از طرف دیگر مردمی که باج و خراج می‌پردازند و نزدیکان سلطان با سوء استفاده از موقعیت و قدرت خویش از پرداخت دستمزد کسبه خودداری می‌کنند و نهایتاً کسبه دلسرد شده و به علت از دست دادن تنها سرمایه خود (دستمزد) دست از فعالیت می‌کشند و دچار ورشکستگی و فقر می‌شوند. از طرف دیگر سلطان و نزدیکان با ارزان خریدن اجناس و گران فروختن آنها ظلم و ستم بر رعایا و مردم را مضاعف می‌کنند.

ه) **خصنهای فردی حاکم:** ابن خلدون یکی دیگر از عوامل تباهی دولت را افراط و تفریط در هوش رئیس دولت می‌داند که در نتیجه آن سلطان بسر مردم خرده‌گیر و سخت‌گیر و نامهربان می‌شود و این خشونت باعث می‌شود فساد و تباهی به فضایل اخلاقی مردم راه پیدا کند. به عقیده او اگر سلطان از نظر بهره‌هوشی با مردم فاصله زیادی داشته باشد باعث می‌شود با قهر و

تباهی می‌رود و چون به کار ایشان توجه نمی‌کند، خویش را از ایشان پنهان می‌دارد و به پرسش احوال و سر و سامان دادن کارهایشان نمی‌پردازند در نتیجه اساس عظمت خود را منهدم می‌کند. (۱/ج ۳۳۶). یکی از نتایج مهم این امر، کنار گذاشتن شایسته‌سالاری^۱ در جامعه است که در نتیجه آن مسیرهای تحرک و ارتقا شغلی مسدود شده و زمینه مهاجرت و یا شورش نخبگان غیرحکومتی (به قول پاره‌تو) را فراهم می‌کند.

ب) **تجارت و کشاورزی سلطان و درباریان:** چنانچه سلطان و درباریان وارد عرصه کشاورزی و بازرگانی شوند چون هم قدرت دارند و هم ثروت، عرصه را بر سایر کسبه و کشاورزان تنگ می‌کنند. آنها با تکیه بر قدرت خویش، اجناس را با نرخهای پایین خریداری کرده و سپس به قیمت گزاف به فروش می‌رسانند لذا کسبه و بازاریان که قادر به رقابت با آنها نیستند دچار ورشکستگی شده و در این وضعیت دچار محرومیت نسبی^۲ می‌شوند عاملی که بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل اجتماعی از جمله تدگور^۳ آن را زمینه‌ساز مسائلی به ویژه شورشهای سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی می‌دانند.

ج) **خصاست سلطان:** چنانچه سلطان در اثر خصاست ثروتهای ملی را انباشت نموده و از

^۱ - Meritocracy

^۲ - Relative deprivation

^۳ - Ted Gurr

حرفه‌ای تکه پاره شده و از مرزها خارج می‌شوند و یا به دست افراد ناآگاه ناشیانه منهدم و ویران می‌گردند.

از پیامدهای دیگر این دوران (مرحله گذار) برخورد حکومت با افرادی است که به نحوی در حکومت سابق همکاری و فعالیت داشتند. برخوردهای تند و خشن باعث تبعید و حذف عده‌ای شده و عده‌ای دیگر که احساس ناامنی می‌کنند فرار را بر قرار ترجیح داده و به نقاط دوردست مهاجرت می‌کنند.

مقایسه و تطبیق دیدگاهها

کار ابن‌خلدون در خلق اثر جاودان خود معروف به «مقدمه» علی‌رغم تمامی نواقص و ایرادات وارده بر آن، با گذشت قرنهای متمادی و سیر تحولات شگرف علمی هنوز به عنوان یکی از مواریت فرهنگ اسلامی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فلسفه تاریخ شایسته تأمل است. گوته شاعر بزرگ آلمانی می‌گوید:

«بزرگی و فضایل مرد از خود اوست ولی نقایص او ناشی از زمانه اوست» (۱۳۲/۳). به راستی که پاره‌ای از نقایص کار ابن‌خلدون را می‌بایستی ناشی از زمانه او به ویژه فقدان پیشرفتهای دقیق امروزی در رشته‌های مختلف علمی علی‌الخصوص علم ارتباطات به شمار آورد. زمانه‌ای که در آن اروپای پیشرفته امروزی حتی طعم رنسانس و

خشونت رقبای خود را از صحنه حذف کند در نتیجه مردم و به ویژه نیروهای انسانی ماهر و متخصص یا مهاجرت می‌کنند یا بر اثر ترس دارای خصایل ناپسندی مانند دورویی و دروغ‌گویی می‌شوند همچنان که اگر سلطان از نظر بهره هوشی بسیار پایین باشد نیز جمود فکری حاصل می‌شود.

عامل دیگری که به نظر ابن‌خلدون زمینه بسیاری از آسیبها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند جمعیت^۱ است. افزایش جمعیت، بالا رفتن نفوس و همچنین بوی متعفن آبهای گندیده درون شهر باعث آلودگی هوا و شیوع بیماریهای مسری و همه گیر می‌شود، نیروی انسانی فعال و کارآمد را از پا درمی‌آورد. عده‌ای از ترس بیماری مهاجرت می‌کنند و جامعه با کمبود نیروی انسانی مواجه می‌شود.

متغیر دیگری که در نظرات ابن‌خلدون زمینه نابسامانی و آشفتگی اجتماعی را فراهم می‌آورد مرحله گذار^۲ از بادیه‌نشینی به شهرنشینی است. در این مرحله، دولت جدید در جریان پس لرزه‌های دگرگونی اجتماعی، آثار فرهنگی (مثلاً مجسمه‌ها، بناها، پلها و سایر آثار باستانی) به جا مانده از دولت قبل را بر اثر تدریجها و فعالیت‌های شبه انقلابی تخریب کرده و ویران می‌سازند و یا چنان به آنها بی‌توجهی می‌کنند که یا به علت سودجویی اشخاص آگاه و دزدان

^۱ - population

^۲ - transition

مصادق عینی این موضوع در جامعه معاصر، جوانان و نوجوانانی هستند که بعضاً در دامن خانواده‌های پاک تربیت می‌شوند اما در اثر مصاحبت و رفاقت با دوستان ناشایست در اجتماع بزرگ به دام افتاده و به فساد و تباهی کشانده می‌شوند.

دیدگاه‌های ابن‌خلدون به ویژه در ارتباط با تجمل‌پرستی و رواج هنرها و صنایع و اسراف و زیاده‌روی در میان هیئت حاکمه و متولیان امور از لحاظ میزان انطباق آنها با برخی نظریات و شرایط جوامع معاصر نیز قابل تأمل است. منتسکیو از جمله کسانی است که تجمل‌پرستی را با اعتدال در تضاد می‌داند و حکومتی را کامل‌تر می‌داند که از تجمل به دور باشد. ابن‌خلدون تجمل را موجب عرضه کردن ناموس و منتسکیو آن را موجب عرضه کردن فرزند می‌داند (۲۳۷/۴).

افلاطون نیز از عوامل مؤثر در بروز نابامانیهای اجتماعی را حرص و آز مردم و تفتن و تجمل‌پرستی آنان می‌داند و معتقد است مردم به زندگی ساده قناعت نمی‌کنند و سودپرست و جاه‌طلب و رقابت‌جو و حسود هستند آنها از آنچه خود دارند زود سیر می‌شوند و در آتش حسرت آنچه ندارند می‌سوزند (۲۲۳).

نقش دولتها و حکومت در امر فرهنگ سازی و تعیین و تبلیغ اهداف فرهنگی و وسایل و امکانات دستیابی به این اهداف و مخصوصاً توانایی اقشار مختلف جامعه در

نیز انقلاب صنعتی را نچشیده بود. با این حال پاره‌ای از دیدگاه‌های ابن‌خلدون در زمینه آسیبهای اجتماعی قابل انطباق با مسائل جوامع امروزی و نظریه‌های رایج در جامعه‌شناسی معاصر است. ابن‌خلدون با نوعی بدبینی نسبت به شهرنشینی در مقابل بادیه‌نشینی نکات قابل تأملی را مطرح می‌سازد:

«شهر همچون دریایی می‌شود که امواج فرومایه‌گان و صاحبان اخلاق زشت و ناپسند در آن به جنبش درمی‌آیند و بسیاری از پرورش یافتگان دستگاه دولت و فرزندان ایشان که از تربیت صحیح محروم مانده‌اند نیز در این صفات با دیگر بدخویان شرکت می‌جویند و همنشینی و آمیزش در آنان تأثیر می‌بخشد.» (۱/ج ۷۳۷/۲).

این گفته ابن‌خلدون با نظریه انتقال فرهنگی ادوین ساترلند^۱ در مورد آثار معاشرت با اغیار یا دوستان ناشایست^۲ بی‌شبهت نیست. بر اساس این نظریه شخص در اثر تماس و مصاحبت با دوستان ناشایست و اعضای گروههای منحرف و خلافکار نه تنها مهارتها و تکنیکهای کجروی بلکه انگیزه‌ها، سائقها و حتی شیوه توجیه رفتار انحرافی را می‌آموزد. در همین ارتباط ساترلند می‌گوید: «برای آنکه شخصی جنایتکار شده، نخست باید بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد.» (۱۲۷/۶).

^۱ E. Satherland

^۲ differential association

دستیابی به این وسایل و اهداف از مسائلی است که از دیده تیزبین ابن خلدون پنهان نمانده است. مثل معروفی است که «مردم بر دین و سیرت پادشاهان خویش اند». (۱/ج ۲۸۱/۱) و نیز گفته شده «مردم شعور و فهم کافی ندارند و فقط آنچه را که حکام برای خویشاند آنها می گویند تکرار می کنند.» (پروتاگوراس به نقل از ۲۳/۳).

اگر فرهنگ مصرف گرایی، تجمل و لوکس پرستی و رفاه زدگی به نوعی مسابقه ثروت و نمایش ثروت از سوی اقدشار بالای جامعه بینجامد از اقدشار پایین و متوسط جامعه جز تقلید و تلاش برای همانندسازی چه انتظاری می توان داشت؟ و اگر شرایط، وسایل و امکانات مشروع برای ارضای این نیازها برای همگان فراهم نباشد آیا در سایه ضعف پایه های دینی و اخلاقی در میان شهرنشینان (به قول ابن خلدون) امکان توسل به راههای نامشروع همچون دزدی، کلاهبرداری، قاچاق و .. نخواهد بود؟

عدم تعادل میان اهداف و وسایل و امکانات فرهنگی یا انتظارات و احساس نیاز به یک طرف و امکانات ارضای آنها از طرف دیگر از جمله عوامل مهمی هستند که در دیدگاههای بسیاری از نظریه پردازان علوم اجتماعی مثل دورکیم، مرتون، گور و .. به عنوان عوامل آسیبزا و زمینه ساز نابسامانی و شرایط نابهنجاری قلمداد گردیده اند.

به عقیده مرتون^۱ در شرایط بی هنجاری^۲ فرد ابزارها و امکانات فرهنگی^۳ مقبول را در دسترس ندارد لذا برای رفع نیازهای خود به یکی از شیوه های انحرافی زیر متوسل می شود: ۱- نوآوری^۴ ۲- مناسک گرایی یا شعائر گرایی^۵ ۳- عزلت و کناره گیری^۶ ۴- طغیان و شورش^۷.

از طرفی چنانکه هزینه های دولت به علت اسراف و زیاده روی و همین طور سرمایه گذاریهای بی حد و حصر در امور زاید، مراسم و تشریفات پر زرق و برق و ترویج روحیه مصرف گرایی در دربار، با درآمدها و بودجه ملی برابری نکند بر اساس نظریه ابن خلدون دولت ناچار به گرینش یکی از مسیرهای دوگانه زیر است:

یا اینکه دولت بر مالیاتها و خراج می افزاید که در آن صورت کسبه به خاطر جبران مالیات وضع شده بر قیمتها می افزاید که این کار تورم، گرانی و سایر عوارض خاص خود را داراست. راه حل دوم این است که حکومت به جای افزایش مالیاتها، خود مستقیماً وارد تجارت و بازرگانی شده که قبلاً به پیامدهای آن اشاره گردیده است. بدیهی است که انتخاب هر کدام از شقوق دوگانه ذکر شده منجر به شکاف طبقاتی

1- R. Merton

2- Anomie

3- Cultural means

4- innovation

5- reatualism

6- retreatism

7- rebellion

بسیار زیادتر است ... برخی تحت تأثیر موسیقی (ولذات ناشی از آن) آرام و برخی از خود بی خود می‌شوند ... کشورهای وجود دارد که گرمای هوا آنجا چنان جسم مردم را خسته و عزم آنان را ضعیف می‌کند که افراد انسان تنها بر اثر ترس از مجازات ممکن است به وظایف دشوار تن در دهند» (۴۸/۲).

در بررسی عوامل تعیین کننده دیگر متسکیو از رابطه **شمار ساکنان** با فنون (فعالیت ویژه صنعتگران) بحث می‌کند و مشکل حجم جمعیت را مطرح می‌کند. او معتقد است که برای تشویق دهقانان به تولید بیشتر بد نیست که ذوق چیزهایی زاید در وی پدید آید ... مردم باید بیش از آنچه دارا هستند بخواهند و این زیادتى فقط از سوى صنعتگران می‌تواند پدید آید (۵۰/۲). این خلدون نیز از پیامدهای بارز شهرنشینی و تجمل پرستی را رواج هنرها و صنایع عدیده برای برآورده کردن نیازها و حاجات غیر ضروری ساکنان شهر می‌داند. در تضعیف عصبیه دینی و تأثیر آن در بروز آسیبها و مسائل اجتماعی و سرانجام انقراض دولتها ابن خلدون می‌گوید:

«چون مردم از روزگاری که دین فرمانروایی می‌کرد دور شدند و به توصیه میانه روی اسلام بی پروا گردیدند و طبیعت کشورداری، پادشاهی و تجمل خواهی بر آنان غلبه یافت و عرب از ملت ایران در کارها یاری جست، صنایع و امور بنایی را از

روزافزون، تشدید نابرابری در ثروت و درک محرومیت نسبی از سوی اقشار متوسط و پایین، ایجاد تنش و نابسامانی و نهایتاً تضعیف پایه‌های حکومت و زوال آن خواهد شد.

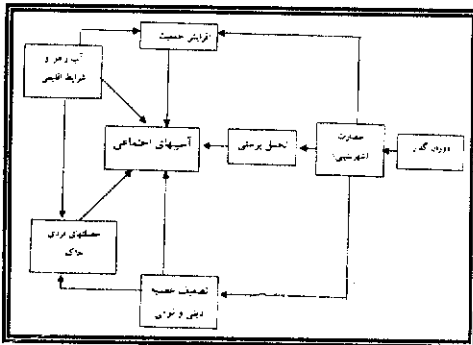
به نظر می‌رسد که ابن خلدون در اینجا ریشه نابسامانها و آسیب‌های اجتماعی را در ساخت حاکم یا برگزیدگان قدرت^۱ می‌داند. این دیدگاه ابن خلدون با نظریه تضاد^۲ همخوانی دارد. این نظریه بر عواقب شخصی و اجتماعی ثروت و قدرت در دست عده‌ای محدود تکیه می‌کند. طرفداران این نظریه معتقدند برگزیدگان قدرت از قدرت سیاسی خود برای تدوین قوانینی استفاده می‌کنند که حامی منافع مشترک خودشان باشد و هم اینکه نوعی ایدئولوژی تدوین می‌کنند که مبین رفتار مجرمانه و تحقیرکننده فرد و زیردستان باشد. (۱۲۷/۶)

نکته دیگر تأکید ابن خلدون بر تأثیر شرایط آب و هوایی و اقلیمی نه تنها بر جسم و پوست بلکه بر خلق و خوی آدمیان است. متسکیو (۱۶۸۹) نیز در چند مورد، مزاج افراد و حساسیت و شیوه زندگی آنها را مستقیماً به وسیله آب و هوا توجیه می‌کند مثلاً می‌گوید:

«در کشورهای سرد مردم در برابر لذت چندان حساسیت ندارند، این حساسیت در کشورهای معتدل بیشتر و در کشورهای گرم

^۱ - elits

^۲ - Conflict theory



نتیجه‌گیری

ابن‌خلدون عقیده دارد بنیان دولت بر دو پایه استوار است یکی شوکت و عصیبت که از آن به سپاه تعبیر می‌شود و دیگری مال و ثروت که آن را نگهدارنده سپاه می‌داند. به عقیده او اختلال در هر کدام از این ستونهای دوگانه به ویژه تضعیف عصبیه زمینه انحطاط و فروپاشی دولت را فراهم می‌آورد. همچنانکه از نمایه‌های شماره ۱ و ۲ و همچنین نمودار علی در مقاله پیداست ابن‌خلدون عواملی از جمله: شرایط آب و هوایی، نحوه معیشت یا شیوه زندگی، خصنهای فردی حاکم، شمار ساکنان و گذار از مرحله پادیه‌نشینی به شهرنشینی را از عوامل زمینه‌ساز ضعف در عصبیه قومی و دینی، غیردینی شدن جامعه و بالاخره سلوک و منش و نگرش حاکم و درباریان و بروز انحرافات و آسیبهای اجتماعی و اقتصادی و سرانجام زوال و فروپاشی عمران و دولت می‌داند. از میان این عوامل او بر نقش شهرنشینی یا حضارت و پیامدهای آن به ویژه آلودگی هوای شهر، تجمل‌پرستی، تفنن‌جویی و

آنان اقتباس کرد و آداب و رسوم شهرنشینی، توانگری و تجمل‌خواهی آنان را به صنایع و ساختمانهای بلند کشانید. ولی این کیفیت وقتی پدید آمد که انقراض دولت عرب نزدیک بود (۸۰۷/۲ ج ۱) و نیز هرگاه انسانی از لحاظ قدرت خود و سپس در اخلاق و دین فاسد شود در حقیقت او انسانیت خود را تباه کند. (همان، ۷۴۰).

مؤید این گفته ابن‌خلدون تحقیقاتی است که رابطه بین آسیبهای اجتماعی و هنجارهای دینی را به خوبی اثبات کرده‌اند. به عنوان مثال در کشورهای اسلامی چون خودکشی یک امر (هنجار) غیرمجاز است. نرخ آن در مقایسه با سایر کشورها پایین‌تر است و همین‌طور می‌توان به نتایج تحقیقات دورکیم^۱ درباره نرخ خودکشی در میان پیروان مذاهب کاتولیک و پروتستان اشاره کرد. به علاوه او معتقد است که مذهب ارزشهای مشترک، کنش متقابل و پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و از افراد در مقابل وضعیت بی‌هنجاری حمایت می‌کند. مذهب باید در دوران خانواده تأثیر یکسانی به جای بگذارد. و خانواده‌هایی که مذهب مشترکی دارند باید انسجام بیشتری داشته باشند (۷/ P 810).

نمودار علی عوامل مؤثر در پیدایش آسیبهای اجتماعی از نظر ابن‌خلدون

^۲ - Secularization

^۱ - E. Dorkheim

Sociological Review, 1998, vol.63(December 810-828)

رواج عادات و خصایل ناپسند زاییده آنها در رواج انواع انحرافات و آسیبهای اجتماعی از جمله فقر، بیکاری، فحشا، دزدی، دروغگویی و سایر مسائل روحی و روانی و جسمانی تأکید می‌ورزد. سخن به گزاف نگفته‌ایم اگر ادعا شود بسیاری از همین مسائل ریز و درشت مورد اشاره ابن خلدون، در جوامع معاصر به ویژه در میان ساکنان شهرهای پرجمعیت و بزرگ، نظریه پردازان مسائل اجتماعی را به تأمل بیشتر در این مسائل و ناظران مسؤول را به چاره‌جویی شدید وادار کرده است.

فهرست منابع:

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدمه ابن خلدون، (ج ۱ و ۲)، ترجمه پروین گنابادی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۶۹.
- ۲- آرون ریمون. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۳- دوران، ویل. تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب. انتشارات علمی و فرهنگی (بدون تاریخ).
- ۴- رادمنش، عزت‌الله. کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۵- رفیع‌پور، فرامرز. توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۶- ستوده، هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.

7. Pearce Lisa D. and Willian G. Axin, The impact of family religious life on the quality of mother-child relations, American